



فاقد تاریخ فلسفه اسلامی هستیم/ تاریخ فلسفه نیاز به سیر دارد

عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی تاکید کرد: یکی از بنیادهای تاریخ فلسفه اسلامی مسئله منحنی تحول است اما به دلیل نداشتن چنین مسئله ای ما فاقد تاریخ فلسفه اسلامی هستیم.

عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی تاکید کرد: یکی از بنیادهای تاریخ فلسفه اسلامی مسئله منحنی تحول است اما به دلیل نداشتن چنین مسئله ای ما فاقد تاریخ فلسفه اسلامی هستیم.

به گزارش خبرنگار مهر، دکتر قاسم پورحسن عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی در همایش روز جهانی فلسفه که عصر سه شنبه 23 آبان ماه در موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران برگزار شد طی سخنانی به بررسی انتقادی وضعیت تاریخ فلسفه اسلامی در ایران پرداخت و گفت: ما چیزی به نام تاریخ فلسفه اسلامی نداریم. در این مورد سه دیدگاه وجود دارد. دیدگاه اول این است که در تاریخ فلسفه اسلامی مانند بسیاری از مطالعات، تئوری های موجود را رصد کنیم که به نظرم این مسئله کارآمد نخواهد بود.

وی گفت: دیدگاه دوم این است که ما با داشتن آن نگاههای فلسفی، خود نیز صاحب نظریه باشیم و دیدگاههایمان را بر اساس آن نظریه سامان بخشیم که باید بگوییم الان ما دارای چنین وضعیتی در تاریخ فلسفه اسلامی نیستیم.

دکتر پورحسن افزود: سومین روش این است که از منظر تاریخ فلسفه به فلسفه اسلامی نگاه کنیم. تاریخ فلسفه اسلامی باید دو بنیاد مهم داشته باشد که ما در حال حاضر فاقد آن هستیم. مواجهه ما با تاریخ فلسفه اسلامی با مکتب محوری ناکارآمد خواهد بود اما اگر سنت محوری را اساس کار قرار دهیم می توان مدعی شد که بنیاد اول که منحنی تحول و سیر است ما را به سرانجام خواهد رساند.

وی افزود: ما الان با تاریخ فیلسوفان اسلامی مواجه ایم نه با تاریخ فلسفه اسلامی. تاریخ فلسفه نیاز به یک سیر دارد، سیری که در درون یک سنت است. ما باید قائل به یکپارچگی سنتی باشیم تا بتوانیم تاریخ فلسفه اسلامی را بررسی کنیم و این در حالی است که در تاریخ فلسفه، فلسفه اسلامی منفرد است.

عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی افزود: گسست ها و پیوندها بنیاد دوم تاریخ فلسفه اسلامی را تشکیل می دهد. برخلاف نگاه ما که تاریخ فلسفه را نه به لحاظ اصالت تاریخ بلکه به اصالت اندیشه ها می بینیم از دیدگاه متاخر نگاه تاریخی فلسفه این گونه نیست. به این معنی که آیا ما در مقام ذات برای فلسفه ای و سنتی قائل به سیربحث بر پیشرفت هستیم یا خیر، باید بگوییم خیر. به طور مثال در تاریخ فلسفه غرب از هگل به این طرف تاکید می شود که مدل فلسفه غرب مدل پیشرفت است. بدون نگاه پیشرفت - به معنای فلسفی- نمی توان مدعی شد که تاریخ فلسفه داریم. من در درون مکتب محوری به تاریخ فلسفه اسلامی نگاه نمی کنم بلکه آن را از درون سنت بررسی می کنم.

این استاد فلسفه تاکید کرد: در دوره اول فلسفه اسلامی ما واجد بنیادهای مذکور بودیم اما به دلیل وقفه ای که در دوره ابن رشد ایجاد شد ما فاقد این دو بنیاد شدیم. بعد از ابن رشد بعد از یک مدت کوتاهی از مکتب اصفهان و بخش کوچکی از مناظران دوانی ها و دشتکی ها دیگر تکرار نشد که همه اندیشه ها در یک سنت واحد نقد کنیم.

وی در پایان خاطرنشان کرد: اگر بتوانیم بازخوانی درستی از فلاسفه اسلامی از جمله ابن سینا، فارابی، سهروردی و ... داشته باشیم آنگاه می توانیم مدعی صاحب وضعیت جدید در فلسفه اسلامی باشیم. تنها در پرتو بازخوانی سنت فلسفی خود می توانیم مدعی وضعیت جدید در فلسفه اسلامی باشیم.

به گزارش مهر، در این نشست دکتر شهین اعوانی عضو هیئت علمی موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران نیز به ارائه گزارش آماری از وضعیت آموزش فلسفه در ایران از سال 44 تا سال 89 پرداخت.